

مروری بر نوشته‌ها و تصویب‌های نورالدین زرین کلک

جمال‌الدین اکرمی

مروری بر نوشته‌ها و تصویب‌های نورالدین زرین کلک

۷. نوروزها و بادبادک‌ها، نوشته ثمین باغچه‌بان، کانون پرورش، ۱۳۵۴، (متن برای کودکان)
۸. قصه گل‌های قالی، نوشته نادر ابراهیمی، کانون پرورش، ۱۳۵۷، (داستان برای کودکان)
۹. کوروش شاه، نوشته حسن پستا، کانون پرورش، ۱۳۵۶ (زندگی نامه)
۱۰. اگر می‌توانستم، نوشته نورالدین زرین کلک، کانون پرورش، ۱۳۶۳
۱۱. آ، اول الفباست (۱ و ۲) سروده نورالدین زرین کلک، کانون پرورش، ۱۳۶۵، (شعر - بازی کودکان)
۱۲. کارخانه همه کاره، نوشته نورالدین زرین کلک، کانون پرورش، ۱۳۶۸ (علمی)
۱۳. از آب‌ها، نوشته نورالدین زرین کلک، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ (داستان علمی)

زرین کلک برای کتاب‌های کودکان و نوجوانان
۱. امیرحمزه صاحبقران و مهتر نسیم عیار، بازنویسی: محمدعلی سپانلو، کانون پرورش، ۱۳۴۷، داستان برای کودکان.
۲. افسانه سیمرغ، بازنویس: زهرا خانلری، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۸ (داستان برای کودکان)
۳. کلاغ‌ها، نوشته نادر ابراهیمی، کانون پرورش، ۱۳۴۸ (داستان برای کودکان)
۴. قصه کرم ابریشم، نوشته نورالدین زرین کلک، کانون پرورش، ۱۳۵۲ (داستان برای کودکان)
۵. زال و سیمرغ، به روایت: م. آزاد، کانون پرورش، ۱۳۵۱ (برای کودکان)
۶. زال و رودابه، به روایت: م. آزاد، کانون پرورش، ۱۳۵۲، (برای کودکان)

کتاب‌شناسی آثار تألیفی زرین کلک برای کودکان و نوجوانان
۱. قصه کرم ابریشم، کانون پرورش، ۱۳۵۲ (داستان برای کودکان)
۲. وقتی که من بچه بودم، کانون پرورش، ۱۳۵۳ (متن تخیلی برای کودکان)
۳. اگر می‌توانستم، کانون پرورش، ۱۳۶۳ (مجموعه خیال‌های کودکانه)
۴. آ، اول الفباست (جلد ۱ و ۲)، کانون پرورش، ۱۳۶۵ (بازی - شعرهای کودکانه)
۵. کارخانه همه کاره، کانون پرورش، ۱۳۶۸ (متن کتاب علمی برای کودکان)
۶. از آب‌ها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ (داستان علمی برای کودکان)
کتاب‌شناسی آثار تصویرگری



پروژه کاخ علوم انسانی و مطالعات

جوایز نورالدین زرین کلک در عرصه تصویرگری

جایزه سبب طلایی براتیسلاوا (BIB)، برای کتاب «کلاغ‌ها»، سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)
 دیپلم افتخار راندرسن (IBBY)، برای کتاب «کلاغ‌ها»، سال ۱۹۷۰
 دیپلم افتخار بولونیا، برای کتاب «آ، اول الفباست»، سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶)
فیلم‌های متحرک (انیمیشن) نورالدین زرین کلک
 وظیفه اول (۱۳۵۰)
 تداعی (۱۳۵۳)
 اتل متل توتوله (۱۳۵۳)
 دنیای دیوانه دیوانه دیوانه (۱۳۵۵)
 زمین بازی با بوش
 گل‌های قالی
 سنبدا

نورالدین زرین کلک، در سال ۱۳۱۶، در مشهد متولد شد. او نقاشی، خوشنویسی و ادبیات را از پدرش آموخت. در ۱۶ سالگی، با کاریکاتورهای سیاسی، وارد مطبوعات شد و به نقاشی روی جلد مجلات جوانان و کودکان روی آورد. او پس از دریافت گواهینامه دکترای داروسازی از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۰، وارد انتشارات فرانکلین شد و به تصویرگری کتاب‌های درسی همت گماشت و در سال ۱۳۴۹، از طرف کانون پرورش، به بلژیک رفت و هنر سینمای جان بخش (انیمیشن کارتون) را در آکادمی هنرهای زیبای بلژیک آموخت. او مدت‌ها در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در زمینه تهیه فیلم، نوشتن متن و تصویرگری کتاب‌های کودکان فعالیت کرده است. (کتاب «از آب‌ها»، دختر نشر فرهنگ اسلامی) زرین کلک، از معدود تصویرگران برجسته نسل اول و نسل‌های بعدی است که هم در حیطه تألیف و هم تصویرگری کتاب‌های کودکان، آثار ماندگاری پدید

آورده است. او متن بسیاری از کتاب‌هایش را خودش نوشته، اگرچه نثر او درخشش تصویرگری‌اش را ندارد و در مواردی متن و تصویر درهم تنیده نشده، شیوه‌کار او در زبان فارسی، از برجسته‌سازی‌هایی برخوردار است که نمی‌توان برخورد خلاق او را با زبان از نظر دور داشت. چنین تسلطی بر متن و تصویر، در ادبیات ایران، بسیار کمیاب است. درست است که ما با نمونه‌های دیگری از نویسندگانی که خودشان آثارشان را تصویر کرده‌اند، روبه‌رو شده‌ایم؛ هم چون ن. خاور و قدسی قاضی نور (واندکی هم نادر ابراهیمی، پرویز کلانتری، بیوک ملکی و آناهیتا تیموریان)، اما این تسلط دوگانه، در آثار هیچکدام از آن‌ها از چنین قوتی برخوردار نیست. البته، نمونه‌های دیگری در عرصه ادبیات جهانی یافت می‌شود که از هر نظر تحسین‌برانگیز است؛ آثار هنرمندانی چون سیلوراستاین، موریس سنداک، لئولیونی، اریک کارل و اتین دلسر از این نمونه‌اند. آثاری که از نظر بازتاب اندیشه‌های انسانی و هستی‌شناسانه، بسیار عمیق و درخور توجه است.

نگاه فیلسوفانه و هستی‌شناسانه این گروه از نویسندگان، از چنان قدرتی برخوردار است که نمی‌توان ویژگی نویسندگی و تصویرگری آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد و این هم به سبب تسلط دوگانه آنها در این دو حوزه و هم به سبب بافت در هم تنیده متن و تصویر در یکدیگر است که تقریباً شخص دیگری قادر به انعکاس اندیشه‌های آنان در قالب تصویر نیست. تصویر آثار استاین، بدون تصویرگری‌های خودش، تصویری دور از ذهن و نه چندان شیرین و دست‌یافتنی است. چنین ادبیاتی که مبتنی بر تصویر و ایماژهای نقاشی شده این گروه از هنرمندان است، بسیار موجز و رسا و درخشان است و گونه‌ای از ادبیات ناب و ماندگار جهانی را خلق کرده.

نه زرین کلک و نه هیچ تصویرگر دیگر ایرانی، نتوانسته به چنین قله‌های درخشانی در طرح موضوع هستی‌شناختی، زاویه دید، ایجاز و پایان‌بندی طنزآمیز و پر از خیال دست یابد، اما در این میان، زرین کلک بیش از دیگران، به چشم‌اندازهای آن نزدیک شده؛ هرچند به تمامی به آن دست نیافته است.

نورالدین زرین کلک، نخستین تلاش‌های جدی و حرفه‌ای تصویرگری‌اش را در مؤسسه فرانکلین و در کنار پرویز کلانتری و زمان زمانی، به منظور تدوین و تصویرگری کتاب‌های آموزشی دبستان آغاز کرد. تلاش این سه هنرمند، به همراه چند تن دیگر برای تصویرگری فرهنگنامه ۱۷ جلدی انتشارات سازمان کتاب‌های جیبی که با کمک فرانکلین صورت گرفت، حوزه مناسبی برای تجربه‌های نخستین او به شمار می‌رفت. حوزه‌ای غنی که بسیار ارزشمندتر از متن‌های نه چندان جالب و نه چندان شوق‌برانگیز این فرهنگنامه‌هاست که فراوان از رودخانه‌های ترجمه آبیاری می‌شد.

ویژگی‌های شخصی زرین کلک در تصویرگری، در همان نخستین آثار او مشخص و شکل یافته است.



عمده ویژگی‌های او در عرصه تصویرگری را می‌توان در تنوع تکنیک دانست و این، همان نشانه برجسته‌ای است که آثار او را از آثار ثابت و نه چندان متحرک پرویز کلانتری و زمان زمانی جدا می‌کند. ویژگی آثار او، همان ویژگی مشخص است که در آثار بهمن دادخواه و فرشید مثقالی نیز به چشم می‌خورد. ویژگی‌هایی که در جای خود به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

گرایش زرین کلک به تهیه فیلم‌های متحرک کودکان، دقیقاً از همین تسلط دوگانه او در تدارک متن و تصویر سرچشمه می‌گیرد. پرداختن به فیلم متحرک، به ذهنیتی خلاق در تدارک موضوع و تسلطی مناسب در بروز هنری آن نیازمند است؛ یعنی داشتن تفکر خلاق در عرصه ذهن و عمل.

زرین کلک، تصویرگری است که به اسطوره‌های ایرانی عشق می‌ورزد، به رازهای هستی علاقه نشان می‌دهد و اسب خیالیش را بسیار آسوده و آزاد، در سرزمین رویاهای کودکان به پرواز در می‌آورد. چنین آزادی خیال و عمل را می‌توان در کتاب‌هایی چون «اگر می‌توانستم» و «وقتی که من بچه بودم» پیدا کرد. او تصویرگری نیست که فقط بخواهد اندیشه‌های دیگران را به تصویر بکشد و در این تلاش، فقط به اندیشه و تفکر نویسندگان دیگر متکی باشد. او خود می‌اندیشد و اندیشه‌هایش از باری هستی‌شناختی آکنده‌اند.

نیم نگاهی به نوشته‌های زرین کلک

در کارنامه هنری زرین کلک، شش عنوان کتاب تألیفی به چشم می‌خورد. زرین کلک، زبان فارسی و گنجایش‌های زیبایی‌شناسانه آن را در حوزه کتاب‌های کودکان می‌شناسد و از امکانات آن بهره می‌گیرد. رفتار او با زبان فارسی، در کتاب «وقتی که من بچه بودم»، رفتاری آکنده از سادگی در بیان و تخیل است؛ رفتاری که بیشتر مبتنی بر خلق خیال و کارکرد زیبایی‌شناسانه زبان است و نه مبتنی بر ماجرا آفرینی و داستان‌پردازی:

آن وقت که من بچه بودم، بچه‌ها درباره خیلی چیزها اشتباه می‌کردم اشتباه‌های خنده‌دار و باور نکردنی یکی از این اشتباه‌ها،

درباره کره زمین بود خیال می‌کردم کره زمین مثل توپ، توخالی است و کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها شهرها، خیابان‌ها و خانه‌ها و همه چیزهای دیگر توی این توپ، به پوسته‌اش چسبیده‌اند. از کتاب «وقتی که من بچه بودم»

چنین نثری، با وجود گذشت نزدیک به سی سال از چاپ آن، هنوز هم ساده و روان جلوه می‌کند. خیال‌انگاری‌های نویسنده، در بیان فانتزی کودکان، به خیال‌های همه ما در دوران کودکی شبیه است. در جای دیگری از این کتاب می‌خوانیم: «من توی این عکس نیستم. برای این که نمی‌توانستم هم عکس بشم و هم توی عکس باشم.» این کتاب، تصورات فردی یک کودک را به نمایش می‌گذارد. نثری که نه متکی بر روایت، بلکه سرزمین وسیع پندارهای کودکانه است:

«پدرم از هیچ چیز نمی‌ترسد؛ نه از تاریکی، نه از آمپول، نه از سگ و نه از صداهایی که شب‌ها از باغچه می‌آید.

پدرم می‌توانست روغن کرچک و دواهای تلخ را مثل آب خوردن سر بکشد. پدرم یک قهرمان کامل بود.

او نه مشق می‌نوشت

و نه گریه می‌کرد.»

چنین ویژگی‌هایی در متن کتاب «اگر می‌توانستم» نیز به چشم می‌خورد:

«کاش عوض این پاهای دو تا چرخ داشتم تا می‌توانستم هم زودتر به مدرسه برسم، هم کم‌تر خسته بشوم!...»

یک بار وقتی راجع به این موضوع با برادر

بزرگم... صحبت کردم، خندید و گفت: اگر آدم به جای پا، چرخ داشته باشد، آن وقت چه طور از پله‌ها بالا برود؟ چه طور از جوی آب بپرد؟ و چه طور فوتبال بازی کند؟»

همان تنوع در تصویرگری کتاب‌های زرین کلک، در نوشته‌های او نیز به چشم می‌خورد و دلیل آن نیز پرداختن به تجربه‌های گوناگون است. در جای دیگری، زرین کلک از طنز فاصله می‌گیرد و به ادبیات فولکلوریک علاقه نشان می‌دهد؛ همان تلاشی که برای تهیه فیلم «اتل متل»، از طریق ترانه‌های عامیانه از خود نشان داده، زرین کلک، با علاقه‌مندی‌های متنوع کودکانه‌ای که دارد، از بار آهنگین هیجان‌ها (Nonesence) و بازی ترانه‌های فرهنگ عامیانه ایرانی، در زمینه علاقه‌مندی‌های کودکان پیش دبستانی و نوعی آموزش خانگی استفاده می‌کند و آن‌ها را به‌وسعتی بخشید؛ کاری که در کتاب «آ، اول الفباست» صورت می‌گیرد:

«خ»، اول خروشه

که مرغ برایش عروشه

یا:

«پ» سر پروانه میاد

با پر میاد، با پا میاد

گاهی توی خانه میاد

او همین بازی‌های کودکانه را در تصویرهای همپای متن نیز دنبال می‌کند و به آن موجودیتی جذاب و خوش ترکیب می‌بخشد. بازی شیطنت‌آمیزی که با خط‌های آبی دخترهای دبستانی انجام داده و استفاده از این خط‌ها به عنوان عامل حرکت آفرینی در تصویرگری کتاب، سرشار از انگاره‌های کودکانه است.

نگاه زرین کلک به موضوع علم نیز نگاهی انسان‌گراست. او در دو کتاب علمی خود، یعنی «کارخانه همه کاره» و «از آب‌ها» این نگرش را تعمیم می‌دهد. چنین کارکردی در کتاب‌های علمی، در نوع خود بسیار جذاب است؛ چرا که تاریخ ادبیات کودکان





حاصل ژرف نگری او در ارزش‌گذاری به حس‌های انسانی است تا توجه محض به پیرنگ داستانی آن.

نگاهی بر آثار تصویری زرین کلک

آثار تصویری زرین کلک که نزدیک به

۱۳ کتاب کودک (منهای فرهنگنامه ۱۷ جلدی کودکان و نوجوانان که به صورت گروهی انجام شده) را در برمی‌گیرد، از تنوع جالب توجهی برخوردار است؛ تنوعی که مجموعه آن‌ها را می‌توان در سه گروه جداگانه جای داد:

۱- استفاده از روش نگارگری (مینیاتور) در تصویرگری:

بیشترین تکنیک به کار گرفته شده در آثار تصویری زرین کلک، با استفاده از روش طراحی محیطی و با به کارگیری خط‌هایی نرم و انعطاف‌پذیر صورت گرفته. ابعاد در نظر گرفته شده برای انسان‌ها، همان ابعاد متداول نقاشی مرسوم در دوره‌های نگارگری است و به نوعی پرداخت منجر شده که ویژگی‌های کودکان‌اش بیش از همه به چشم می‌آید. کودک‌گرایی نهفته در نگارگری‌های دوران مکتب بغداد، هرات، شیراز، اصفهان و خراسان، به درستی زاینده نگاه‌های غیرفنی، تربیت نشده، ساده شده و خیال‌پرورانه‌ای است که در ذهن کودکان وجود دارد.

دیده نشدن بعدها سه‌گانه (پرسپکتیو)، رعایت نکردن نسبت میان انسان و فضای اطراف، مسطح شدن رنگ‌ها و ساختمان‌ها، یک‌نواخت شدن خطوط چهره و کنش‌های عناصر موجود در تصویر، به طور مشترک در نقاشی کودکان و نگارگری ایرانی یافت می‌شود و این همان ویژگی مشخصی است که در دوران نقاشی قاجار، ضمن ساده‌تر شدن، فراگیرتر می‌شود و در انواع نقاشی قهوه‌خانه‌ای جلوه می‌کند. زرین کلک، با چنین ویژگی‌هایی، از نقاشی‌های دوران نگارگری ایرانی برای تصویرکردن کتاب‌های خود استفاده می‌کند و این اتفاق، به درستی در کتاب‌هایی روی می‌دهد که با نوع تصویرهای قدیمی زرین کلک همخوانی دارد.

کتاب‌های «امیرحمزه صاحبقران» «افسانه

در ایران در حوزه تألیف کتاب‌های علمی کودکانه و صرف تفکر خلاقانه در آن، از ضعف همبستگی برخوردار است:

هرکدام از این ابزارهای بزرگ فقط یکی از کارهای آدم را می‌تواند بکند.

اگرچه به مقدار بیشتر و در اندازه‌های بزرگ‌تر آدم یک جرتقیل کوچک همه کاره است.

«دست چکش است، انبر است، قلاب است، پیلچه است، دم آهنگری است.»

دسته‌بندی ابزارکار موجود در اطراف کودک و مقایسه آن با توانایی‌های دست و بدن انسان، نگاهی ساده، ولی عمیق به یک پدیده علمی در کاربری ابزار تولید است و در پایان، تشبیه انسان به کارخانه‌ای همه‌کاره، تلاشی است که هم در حوزه علم و هم در حوزه تخیل، از نشانه‌های ارزنده‌ای برخوردار است.

همین کارکرد زبان، اندیشه و تخیل، در کتاب دیگر او، یعنی «از آب‌ها» نیز به چشم می‌خورد:

«شب که می‌خوابم، نجار هستم، اما صبح که بیدار می‌شوم، یک قطره شبنم شده‌ام روی یک گل شقایق.»

چشمم را که باز می‌کنم، می‌بینم شاپرک قشنگی بالای سرم نشسته.

آفتاب صبح از پشت بال‌های طلایی شاپرک بالا می‌آید.

می‌گویم: سلام شاپرک خانم، تشنه‌ای، بفرما از ما بنوش.

شاپرک خانوم، خرطوم کوچکش را توی شکم برآمدهام فرو می‌کند و تا جا دارد، می‌مکد: نوش جان! چنین نثر شعرگونه‌ای، در حوزه کارکرد ادبیات علمی، حاصل سلیقه و گرایش‌های ذهنی زرین کلک است.

در گونه دیگری از نثر زرین کلک، گفت‌وگوهای درونی عناصر قصه موردتوجه و بازآفرینی قرار می‌گیرد. زبان او در این نوع نگارش نیز ساده و گویاست؛ هرچند هنوز هم به حادثه آفرینی مرسوم در قصه‌های کودکان نزدیک نشده و بیشتر شکل‌های رفتار با زبان در آن مسلط است. کتاب «قصه کرم ابریشم»، تنها متن روایی زرین کلک است:

«کرم ابریشم چشمش را از ترس بست تا وقتی آخرین حلقه ابریشم بقچه باز می‌شود، زمین خوردن خودش را نبیند.

آخرین حلقه ابریشم هم باز شد، و کرم ابریشم که دیگر کرم ابریشم نبود، رها شد توی هوا، درست مثل یک پروانه...»

کرم ابریشم کوچولو ما حالا راستی راستی یک پروانه شده بود. یک پروانه ابریشم و این پروانه ابریشم کوچولو به دور، به سوی درخت‌های سبز توت پرکشید.»

در این جا نیز لحن شعرگونه متن، اگرچه بار روایت ماجراهای درونی یک قصه را به عهده دارد، با این وجود نوع انتخاب کلمات و شرح دگردیسی کرم، در گذر از مرحله کرمینگی به پروانه شدن، باز هم

سیمرغ»، «زال و سیمرغ» و «زال و رودابه»، با همین ویژگی‌ها تصویر می‌شود، یعنی متن‌هایی آرکائیک و قدیمی که از بافتی کهن برخوردار است و به ناگزیر، گرایش کلاسیک در انتخاب فرم و خطا می‌طلبد و این گرایش در نگارگری‌های ایرانی وجود دارد.

در تصویرگری این کتاب‌ها، زرین کلک، هیچ اصراری به رنگ کردن همه قسمت‌های تصویر از خود نشان نداده و شخصیت اصلی حاضر در هر تصویر، به گونه‌ای در مرکز توجه قرار گرفته است و عناصر رنگ، فرم و خط، همگی دست به دست هم داده‌اند تا عنصر اصلی تصویر موردتوجه مخاطب قرار گیرد.

فضای معماری، نیز به عنوان یک پس‌زمینه برای تصویرها به کار گرفته شده و از ارزش طراحی یا رنگ‌پذیری چندانی برخوردار نیست و بیشتر به نوعی کنتراست تصویری و حفظ کمپوزیسیون (ترکیب) منتهی شده و به صورت مکملی برای ایجاد یک فضای قدیمی مورد توجه قرار گرفته. رنگ‌های به کار گرفته شده در این کتاب‌ها عمدتاً ویژگی رنگ‌های تخت گواش و آکرلیک را دارد و سطوح طراحی شده نیز از خطوط محیطی پررنگی برخوردار است که عمدتاً ویژگی تصویرهای چاپ سنگی را به یاد می‌آورد و این نیز عامل دیگری برای قدیمی‌تر کردن تصویرهاست.

افزون بر آن، در موارد زیادی، از رنگ طلایی (و حتی نقره‌ای) به عنوان رنگ پنجم استفاده شده و چنین کاربردی نیز ضمن تداعی حضور نقوش تذهیبی، به نوعی ارزش‌گذاری اسطوره‌ای و پهلوانی در رنگ‌ها منجر شده است.

در کتاب «امیرحمزه صاحبقران»، خطوط محیطی به کار گرفته شده، بسیار متأثر از نگارگری دوران قاجار به است؛ بدون آن که اصراری بر استفاده از نقوش اسلیمی روی زمینه‌ها، لباس‌ها و ساختمان‌ها وجود داشته باشد. در کتاب «افسانه سیمرغ» و «زال و

گرایش فراوان به ویژگی‌های نگارگری که در بخش بزرگی از آثار تصویری زرین کلک به چشم می‌خورد، تلاشی برای ساده و کودکانه کردن این تکنیک و استفاده از آن در کتاب‌های کودکان است؛ تلاشی که زرین کلک بسیار به آن علاقه نشان داده و به خوبی از عهده آن برآمده است

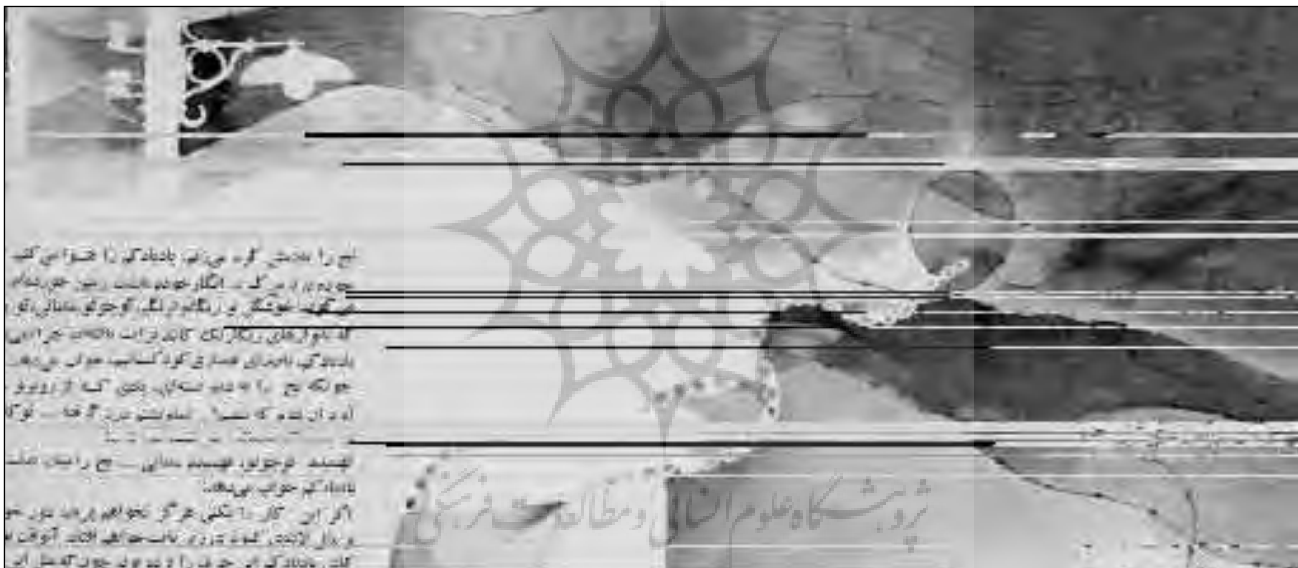
می‌توان رگه‌های گذرابی از گرایش به رئالیسم کودکانه را مشاهده کرد. این رگه‌ها در آثار کلانتری و زمانی به خوبی فرم پیدا می‌کند و به روشی مسلط تبدیل می‌شود. وجود تکرار در چهره‌ها، حالت‌ها، ساختمان‌ها و ابزارها، در این مجموعه از آثار زرین کلک، سبب حذف حالت‌هایی در چهره‌ها و حرکات انسان‌ها (و حیوانات) شده. اگرچه شیطنت امیرحمزه در همان خط تکراری چشم و ابرو و بیضی

طلایی، در بسیاری از تصویرها به ایجاد نوعی فضای شرقی در تصویر انجامیده. این شیوه عمل زرین کلک، به‌کارگیری رنگ و طراحی عناصر تصویری، به پیدایش نوعی واقعگرایی متکی به نقاشی سنتی ایرانی و با استفاده از اصول نگارگری منجر شده که می‌توان آن را نوع دیگری از بازپروری نقاشی

قهوه‌خانه‌ای، در حوزه تصویرگری کتاب‌های کودکان دانست. این شیوه، در آثار تصویرگرانی چون کلانتری و زمانی، کامل‌تر شده و به نوعی تصویرگری انجامیده که می‌توان آن را «رئالیسم کودکانه» نامگذاری کرد. این شیوه (که نباید با نامگذاری رئالیسم به عنوان یک سبک اشتباه شود)، در مقابل شیوه‌های مسلط اُبستره قرار می‌گیرد که عناصر تصویری، به اشکال مختلف

سیمرغ» نیز با حاشیه‌سازی‌های متعددی روبه‌رو می‌شود که به صورت کلیشه‌های سردر، نقاشی شده و به عنوان ورودی اصلی به داستان، مورد استفاده قرار گرفته و بخش‌بندی حوادث داستان، از طریق حضور این سردرها امکان‌پذیر شده است. استفاده خلاقانه از خطوط اسلیمی و نقش مایه (موتیو)های سنتی، با ترکیبی از کاغذها و سطوح رنگی، در کتاب «زال و سیمرغ» نیز به نوعی ارزشگذاری تبدیل شده است. کاربرد خطوط محیطی، با ویژگی خط‌های برجسته و زمینه‌های رنگی یا سفید، نوعی تعادل در تصویرهای زرین کلک به وجود آورده و سبب شده تا فضاهای منفی در سطوح میانی فضاهای مثبت راه پیدا کند و گردش چشم در تصویر، به آسانی شخصیت‌های اصلی تصویر را جلوه‌گر سازد. این ویژگی، به خصوص در کتاب مهتر نسیم عیار به چشم می‌خورد.

سفیدخوانی مفید و آرام‌بخش در تصویرگری، ویژگی عمده‌ای در کتاب‌های تصویری دهه ۴۰ و ۵۰ است و زرین کلک در استفاده از رنگ، به قناعتی مفرط



صورتش، کاملاً دریافتنی است این نمایش‌های انسانی، به هیچ‌وجه بیش از یک شکل‌نماین ندارد. آن دسته از ویژگی‌های نگارگری که در آثار تصویرگری زرین کلک، صادقی و تجویدی شکل گرفته، بعدها توسط تصویرگران دیگری چون فیروزه گل محمدی، مرتضی اسماعیلی سهی، محمدحسین صلواتیان، سیاوش ذوالفقاری و پرویز اقبالی دنبال می‌شود. تصویرهایی که تکنیک آن حتی داستان‌های امروزی را نیز دربرمی‌گیرد و زرین کلک در امروزی کردن آن‌ها (به‌ویژه در کتاب قصه گل‌های قالی) نقش به‌سزایی دارد. در هم تنیده شدن متن و تصویر، چه در محتوا و چه در متن، در برخی از آثار زرین کلک به خوبی دیده می‌شود. این تنیدگی، اگرچه کم‌تر محتوایی و بیشتر فرم‌پذیر است، یکی از مشخصه‌های آثار زرین کلک به شمار می‌رود. طوری که گاهی به دلیل ویژگی خاص

دچار شکستگی یا جابه‌جایی می‌شوند و در محدوده خط، سطح، فرم، رنگ و ترکیب، از شکل عادی و روایی خود بیرون می‌زنند.

رئالیسم کودکانه، به حضور واقعی همه عناصر تصویری منتهی می‌شود؛ اگرچه چشم‌ها، ابروها، پوشش‌ها، دست‌ها، پاها، ستون‌ها و گنبدها همه بر نوعی ساده‌گرایی و نشانه‌سازی تصویری متکی است که این امر، مثلاً سبب می‌شود در تصویر یک لشکرگشایی، در کتاب زال و رودابه، چهره همه سربازان یک‌سان جلوه کند و نوعی نگارگری دوره‌های کهن در همه آن‌ها به طور مسلط دیده شود. با این وجود، ویژگی رئالیسم کودکانه، بیشتر در کتاب «اگر می‌توانستم» و «کارخانه همه کاره» به چشم می‌خورد؛ هرچند فضای متن «اگر می‌توانستم»، کاملاً خیالی و ذهنی است و از طرف دیگر، در کتاب‌هایی چون «امیرحمزه صاحبقران...» و «زال و رودابه» تنها

و جالب توجه روی آورده. او اگرچه از رنگ طلایی نیز در برخی موارد برای تداعی نقش‌های زربفت یا نقوش زرنگار (تذهیبی) استفاده کرده، بخش اصلی زمینه تصویرهایش سفید است و تصویرگر، هیچ اصراری بر پوشاندن همه لایه‌های طراحی از خودنشان نداده و این، همان ویژگی عمده‌ای است که در آثار هنرمندانی چون مثقالی (مثلاً در کتاب جمشیدشاه) و بهمن دادخواه (مثلاً دو کتاب سیبو و سار کوچولو) به فراوانی دیده می‌شود. این سفیدخوانی چشمگیر، سبب شده تا استفاده از رنگ، به خلق زمینه‌های افراطی رنگی منجر نشود و رنگ، جز برای عمده کردن فضای تصویر به‌کار نیاید. در نتیجه، در این‌گونه آثار تصویری، رنگ عنصر اصلی جذابیت و زیبایی‌شناسی نیست و عمدتاً به کمک خطوط طرح آمده و کاربرد آن‌ها نیز به شیوه رنگ‌آمیزی رنگین‌کمانی نیست. کاربرد رنگ آبی فیروزه‌ای، به همراه رنگ

لی‌اوت و صفحه‌آرایی، نوعی تداوم حرکت از متن به تصویر، در صفحات کتاب‌هایی چون «زال و رودابه» و «زال و سیمرغ» به چشم می‌خورد و چنین فرایندهایی در صفحه‌آرایی و شیوه استفاده از فضای منفی تصاویر برای دربرگرفتن متن، از تلاش‌های خاص زرین‌کلک محسوب می‌شود.

ویژگی تصویری زرین‌کلک، در استفاده از شیوه‌های نگارگری، در تصویر این‌گونه کتاب‌ها، آثار او را به آثار علی‌اکبر صادقی نزدیک کرده؛ با این تفاوت که زرین‌کلک، همه جای تصویر و صفحه را با رنگ و خطوط نمی‌پوشاند. برخورد آزاد زرین‌کلک با صفحه، یکی از برخورد‌های خلاق اوست که به سادگی و رسانندگی تصویر می‌انجامد و سبب می‌شود متن و تصویر در یک صفحه، هم‌ارز قلمداد شود. استفاده زرین‌کلک از ویژگی‌های نگارگری، در حد استفاده او از خطوط محیطی است، در حالی که شیوه صادقی، به نگارگری سنتی بسیار نزدیک‌تر و اغراق‌آمیزتر است. تصویرگری کتاب «میرحمزه...» که به شیوه چاپ سنگی آثار کلاسیک از جمله به تصویرگری کتاب «شاهزاده صاحبقران»، از مجموعه داستان‌های امیرارسلان نزدیک است و تصویرگری آن توسط علی‌خان، در سده سیزدهم انجام شده، سادگی و ایجاز نگارگری مکتب خراسانی را به یاد می‌آورد. هنر زرین‌کلک در قرار دادن تصویر در چارچوب‌های خوش فرم، استفاده از سردرهای تذهیبی، برای ورود به بخش‌های مختلف داستان و شیوه قرار گرفتن تصویر در میانه متن، نوعی هنرنمایی و خوش‌سلیقگی تصویرگر در استفاده از نمادهای قدیمی است.

ویژگی این مجموعه آثار زرین‌کلک، با غلظتی کم‌تر در کتاب «گل‌های قالی» و در طراحی قهرمانان این داستان هم به چشم می‌خورد. ترکیب تصویرهای کودکانه این کتاب با کلاژهای رنگی از نقوش قالی، به عنوان پس‌زمینه تصویر، نوعی استفاده از شیوه‌های مدرنیسم در نمایش جلوه‌های سنتی به‌شمار می‌رود؛ نوعی ترکیب نو و کهنه، واقعیت و خیال و خط با رنگ. تازگی تصویرهای این کتاب، نسبت به مجموعه قبل را باید در همین شیوه ترکیب خیال و واقعیت دید؛ چرا که در متن داستان نیز همین هم‌نشینی خیال و واقعیت، با جذابیتی قابل توجه صورت گرفته.

نادر ابراهیمی، نویسنده کتاب «گل‌های قالی»، در کتاب مصورسازی کتاب کودکان، درباره این کتاب، این‌طور اظهار نظر می‌کند:

«غلو و تضاد و تناقض تصویری هنری را به شفاف‌ترین و زیباترین صورت ممکن، در برخی از آثار زرین‌کلک می‌توانیم مشاهده و مطالعه کنیم. در قصه گل‌های قالی، بچه‌ها، یعنی شخصیت‌های قصه، روی قالی واقعی، قایق می‌رانند، کاملاً هم شادمانه و طبیعی. قایقرانی بر خشکی رنگین، یک تناقض کامل است، هم‌چون حضور روز در شب. نکته جالب توجه این است که نویسنده قصه، ابداً چنین مسئله‌ای را بیان نکرده و قصه ظاهراً رابطه‌ای با قایقراندن در خشکی و بر قالی و دست و پا فرو بردن در آبی قالی و

در حوض پرآب قالی دست و صورت شستن ندارد. تمام این تصویرها حامل تناقضات و تضادهای آشکاری است که کاملاً مورد قبول کودک و البته بزرگسال واقع می‌شود و حس قصه را غنی‌تر می‌کند و به قصه ابعادی خیال‌انگیز و رؤیایی می‌بخشد... و در عین حال که تصویر، از قصه فراتر می‌رود و نه تنها تمامی قصه، بلکه بیش از قصه را می‌گوید.»^۱

از سوی دیگر، گرایش تصویرگر در استفاده از نگارگری در طرح اولیه خطوط شخصیت‌ها و فضاهای داستان، بیانگر نزدیکی آن به طرح لچک ترنج قالی، نقوش اسلیمی و رنگ‌های زمینه آن است که همگی ویژگی‌های سنتی حضور نقوش را در آن تأیید می‌کند و نوعی تلفیق هنری پدید می‌آورد.

۲. روش آبرنگ در آثار زرین‌کلک:

استفاده از رنگ‌مایه‌های رقیق، به شیوه آبرنگ، بخشی از آثار زرین‌کلک را دربرگرفته است. از میان این آثار، کتاب‌های «قصه کرم‌ابریشم»، «نوروزها و بادبادک‌ها»، «آ، اول الفباست» و «از آب‌ها» و تا اندازه‌ای کتاب «کلاغ‌ها» از این ویژگی برخوردار است.

در کتاب «قصه کرم‌ابریشم» و «نوروزها و بادبادک‌ها» که از انتزاعی‌ترین آثار زرین‌کلک به‌شمار می‌رود، اشتراک تکنیک بسیاری به چشم می‌خورد. تقسیم‌بندی فضاها با استفاده از شبکه‌های رنگی، نوعی رنگ‌آمیزی کریستالیزه شده و مشبک هنر بیژانس را به خاطر می‌آورد. تجربه‌هایی که نوع به‌کارگیری رنگ و شبکه‌بندی آن در کتاب «آ، اول الفباست» به شیوه‌های هنرمندانه تکرار شده. این شیوه رنگ‌آمیزی، در سطوح مجزا از یکدیگر، بعدها در برخی از آثار محمدعلی بنی‌اسدی و هادی ابراهیم‌زاده به چشم می‌خورد که البته، از ویژگی فردی نیز برخوردار است.

به‌کارگیری رنگ در این بخش از آثار زرین‌کلک، دیگر مثل آثار قبل، تخت و یک‌دست نیست، بلکه رنگ‌ها از ویژگی و شفافیت آبرنگ و اکولین برخوردار است و سطوح رنگی با سایه روشن و وال‌رهای رنگی چشم‌نواز همراه است. استفاده از ویژگی اکولین، در کتاب «آ، اول الفباست»، توانسته به آن تحرک و طراوت خاصی بخشد.

ویژگی خیال‌انگیز و ابری بودن رنگ‌های ملایم آبرنگ، سبب شده تا تصویرگر بتواند با دست یافتن به نوعی حس آمیزی در شیوه تفکر و روش به‌کارگیری رنگ از آن، تکنیک خاصی بسازد. در کتاب «نوروزها و بادبادک‌ها»، نوع خط به کار برده شده، دیگر آن یک‌دستی و تسلط نزدیک به چاپ سنگی تصاویر قبلی را ندارد و به ویژگی‌های آبرنگ تا اندازه‌ای نزدیک شده.

انتزاع مورد نظر تصویرگر در شکستن خط، فرم و سطوح رنگی، چندان اثری از انتزاع در تفکر و تعلیق عناصر تصویری ندارد. گستردگی خیال در تصویرهای این دو کتاب، تنها به حضور خلأهای رنگی در اطراف

کرم‌ابریشم و بادبادک منتهی شده و به شیوه‌ای خاص، خیال‌های رنگی این دو عنصر اصلی در دو کتاب نام برده را دربرگرفته است.

اما تسلط تصویرگر در به‌کارگیری خط و آبرنگ، در کتاب «کلاغ‌ها» به اوج خودش نزدیک شده. تصویرهای این کتاب، از دوگانگی خاصی بهره‌مند است که دقیقاً به کنتراست متن کمک می‌کند. عناصر موجود در این کتاب، به سه دسته تقسیم شده و هر دسته به شیوه خاص خود رنگ‌آمیزی و طراحی شده است.

دسته اول: عناصر خوب قصه، شخصیت‌هایی چون سیمرغ، چرخ ریسک، درخت‌ها، خانه‌ها و گل‌ها که با استفاده از خطوط نرم، رنگ‌های رقیق و شفاف نقاشی شده و تأثیر مثبتی در مخاطب می‌گذارد. نوع رنگ‌های ملایم و انعطاف‌پذیر در رنگ‌آمیزی این شخصیت‌ها، آن‌ها را جزو عناصر خوب قصه قرار داده. دسته دوم: عناصر بد قصه که همان کلاغ‌ها هستند، برای ایجاد نفاق میان دوستی چرخ ریسک و چنار به روستا هجوم آورده‌اند. تصویرگر برای تصویر کردن این دسته از شخصیت‌های کتاب، از بافت خشن چاپ انگشتی (فینگر پرینت) استفاده می‌کند و با استفاده از ساختن کلیشه‌ها و چاپ انگشتی، با رنگ‌های پرمایه و غلیظ و سیاه از آن، بافت موردنظر خود را فراهم می‌آورد و در نتیجه، در تأثیرات بصری، بدبودن این شخصیت‌ها توسط مخاطب به سادگی دریافت می‌شود.

دسته سوم: شخصیت‌های واسطه، عناصری چون سنگ و بعضی از درخت‌ها که تنها تماشاچی ماجراهای قصه هستند و دخالت چندانی در شکل‌گیری پیرنگ قصه ندارند. تصویرگر از خطوطی ملایم، ولی بدون رنگ، برای تصویر کردن آن‌ها استفاده کرده؛ به گونه‌ای که مخاطب، به بی‌طرفی آن‌ها در برخوردی همه‌جانبه میان چرخ ریسک و کلاغ‌ها پی می‌برد.

هنر زرین‌کلک، در استفاده از عناصر بصری در تصویرگری این کتاب، سبب شده تا یکی از افتخار شایسته‌ترین جوایز تصویرگری، یعنی سیب طلایی براتیسلاوا و دیپلم افتخار IBBY نصیب تصویرهای این کتاب شود. این تصاویر، در عین سادگی، به زیباترین و گویاترین شیوه تصویرگری شده‌اند. در این کتاب، هرچا از چرخ ریسک یعنی قهرمان پرتلاش و جست و جوگر قصه، سخن گفته شده، رنگ‌های زنده به گردش درمی‌آیند و خطوط خشن را کنار می‌زنند. به‌کارگیری خط، به شیوه‌ای خیال‌انگیز و زیبایی‌شناسانه، در کتاب کلاغ‌ها، درخشش خاصی دارد. در نمایی از کتاب که پرندۀ چرخ ریسک، بروی سنگ بزرگی نشسته تا با او درددل کند، تصویرگر از خطوط محیطی و خط‌های افقی بسیار ساده و گویا، سنگی می‌سازد که با پرندۀ چرخ ریسک، همذات‌پنداری می‌کند و با حسی مشترک به گفت و گوی پرندۀ دل می‌سپارد. در جای دیگری نیز، زمانی که کلاغ‌ها چرخ ریسک را دنبال می‌کنند تا نامه او را

«تعلیم و تربیت» می‌شود، عملاً محصول تلاش و قدرت خلاقه شگفت‌انگیز زرین کلک است و دلیل آن کاملاً آشکار: این قصه، همین قصه، با همین مشخصات ادبی زبانی، موضوعی و محتوایی، اگر بدون تصویرهای زرین کلک منتشر می‌شد که دست بر قضا، شده بود چه بسا مورد توجه هیچ کودک ایرانی واقع نمی‌شد تا با شکل و محتوا و موضوع آموزنده آن رابطه برقرار کند و نیز به مجامع جهانی راه نمی‌یافت تا اگر خاصیتی دارد، این خاصیت را به کودکان کشورهای دیگر جهان پیشکش

فارسی‌نویسی برای کودکان است، به بازی می‌پردازند. هنر زرین کلک که در لی‌اوت‌سازی کتاب‌هایی چون «زال و رودابه» و «زال و سیمرغ» پشت سر گذاشته شده، در این جا به نمونه‌های تازه‌ای دست می‌یابد؛ آن گونه که تا تصویرگر به روح متن نزدیک نباشد، نمی‌تواند به آن دسترسی داشته باشد.

تصویرهای این کتاب، با وجود استفاده از ویژگی سایه روشن و شبکه‌بندی لایه‌های رنگی، از علاقه‌مندی کودک پیش‌دبستانی برخوردار است. رنگ‌های شفاف اکولین، با شکل‌های طنزآمیز جانوران و گفت و گوهای سراسر آهنگین‌شان ارتباطی نزدیک دارد و سبب شده، بازی ترانه‌های کتاب به صورت سمبلیک، به کودک در آموزش صداها و الفبا یاری برساند. در این جا هم تصویرگر، هیچ اصراری به پوشاندن تمام صفحه کاغذ با رنگ‌های شفاف ندارد و ارتباط زنده متن و تصویر که سابقه آن در کتاب‌های

پیشین زرین کلک دیده می‌شود، در این جا نیز از خلاقیتی درخور توجه برخوردار است.

متن کتاب البته آموزشی نیست، بلکه بهانه‌ای بازی گونه است برای راه‌یابی کودک به جهان صداها و گنجایش بازی‌سرای آن‌ها. ویژگی خاصی که می‌تواند پل ارتباطی میان کودک پیش از دبستان و روزهای مدرسه‌اش باشد؛ پلی که هم در متن و هم در تصاویر سرشار از شادی، حرارت و سرگرمی است.

در کتاب «از آب‌ها» که از متنی علمی برخوردار است و زرین کلک، خود متن آن را نوشته نیز همین تکنیک آبرنگ، با اندکی توسل به انتزاع در نوع به‌کارگیری نقش‌مایه‌های موجی شکل در سطوح رنگی، به چشم می‌خورد؛ با این تفاوت که دیگر نه آن شبکه‌بندی جذاب رنگی در آن شکل گرفته و نه نوع انتزاع به کار گرفته شده، چندان مسلط و مشخص است. برخی از تصاویر آن، از جمله تصویر گل شقایق بر زمینه چمنی یک‌دست، از زیبایی خاصی برخوردار است، اما در شکل‌گیری انتزاعی بسیاری از تصاویر داخل کتاب، با نوعی شتابزدگی و خام‌رنگی رو به رو می‌شویم که چنین دستمایه‌ای در آثار زرین کلک کمیاب است؛ بی آن که بخواهیم چنین پدیده‌ای را نشانه‌های دوری دیرین او از عرصه تصویرگری بدانیم.

۳. رئالیسم کودکانه در آثار تصویری زرین کلک:

در سه کتاب «کوروش شاه»، «اگر می‌توانستم» و «کارخانه همه کاره» با نوعی رئالیسم کودکانه و البته، بی شباهت چندان به یکدیگر، رو به رو می‌شویم. در رئالیسم کودکانه که بر اثر بازتاب واقعی، اما

کند...»^۲

و این هم یادآوری‌هایی از نادر ابراهیمی، درباره کتاب «آ»، اول الفباست: «امروز زرین کلک، تصویرهایی را که برای کتاب آموزش الف با ساخته، که تصاویری شگفت‌انگیز و سرشار از حوصله و دقت است، به من نشان داد. تصویرها را گوش تا گوش چیده بود و نگاه می‌کردیم و من واقعاً بهت‌زده شده بودم.

زرین کلک پرسید: «خوب است؟ به نظر تو بچه‌ها را جذب می‌کند؟...» من، حسابی گرفتار شده بودم... سرانجام، مجبور شدم رضا بدهم که کار فوق‌العاده‌ای است... فکر می‌کنم این دو تصویر، در مجموع ضعیف‌تر از آن‌های دیگر است، و ضمناً، مختصری هم بوی تقلید از آن‌ها به مشام می‌رسد. این مار را به یاد می‌آورم که دیگری هم، به همین صورت ساخته. زرین کلک می‌گوید: بله... شاید بتوانم این دو تصویر را عوض کنم... شاید شبیه این مار را در فیلم نقاشی «رابین هود» دیده باشی...»^۳ و یا نکاتی درباره کتاب «قصه کرم ابریشم»:

«قصه کرم ابریشم» تصویر و نوشته از زرین کلک، از انتشارات کانون، نمونه یک کار تمام‌عیار در تصویرگری است. به نظر می‌رسد که عبور از مرزهای زرین کلک، در تصویرسازی این کتاب، امری غیرممکن است که البته چنین نیست.^۴

در تصویرگری کتاب «آ، اول الفباست»، شیطنت تصویرگری، با په پای شعرهای آهنگینی ادامه می‌یابد و شخصیت‌های اصلی شعر، هر یک به گونه‌ای با خط آبی کتاب‌های دبستانی که یادآور خط کرسی

از درخت چنار بگیرند، شکل محاصره شدن چرخ ریسک توسط قیل و قال کلاغ‌ها، از ترکیبی جذاب و دیدنی برخوردار است. شیوه تصویرگری کتاب کلاغ‌ها، از تأثیرگذارترین شیوه‌های تصویرگری روی آثار دیگر هنرمندان به شمار می‌آید؛ شیوه‌ای که در آثار نیکزاد نجومی (مثلاً در کتاب گل بلور و خورشید) و نسرین خسروی (مثلاً در کتاب هوای بچگی)، به چشم می‌خورد. سادگی در به‌کارگیری خط و کاربرد رنگ، بیرون از محدوده خط، سبب شده تا تصاویر از ایجاز خاصی برخوردار شود. نادر ابراهیمی، درباره تصویرگری کتاب «کلاغ‌ها» می‌نویسد:

«استاد نورالدین زرین کلک، به برخی قصه‌های من مانند «کلاغ‌ها» و «قصه گل‌های قالی» اهمیت و اعتباری غیرقابل بیان بخشیده است چنان که به آسانی می‌توان گفت: کتاب کلاغ‌ها، عمدتاً و اساساً، اثر شخص زرین کلک است. تمام پیروزی‌های این اثر، حتی آن‌جا که در مجامع بین‌المللی، برنده جایزه



کودک‌گرایانه تصویری به وجود می‌آید، با نوعی سادگی در خط، کاربرد رنگ‌های نسبتاً تخت و شکل واقعی اشیا رو به رو می‌شویم.

در کتاب کوروش شاه، تصویرگر از تکنیک تازه‌ای استفاده کرده که در نوع خود بسیار جذاب، آرکائیک و تاریخ‌گراست. در تصویرهای این کتاب، زرین کلک، با تلفیق عکس‌های خاکستری از دیواره‌های تخت‌جمشید و با ایجاد نوعی بافت سنگی برجسته روی برخی از تصویرها، توانسته فضای بسیار دیرین و جغرافیای هخامنشی را زنده کند؛ با این تفاوت که هرچا نیاز بوده، تصویرگر، عناصر موردنظر خود را از میانه تصویرها بیرون کشیده و آن را به دلخواه رنگ‌آمیزی کرده است. این فرآیند زنده‌سازی تاریخ، اگرچه در شرایط فعلی با توسل به امکانات کامپیوتری بازپرداخت ساده‌ای دارد، با توجه به تعلق این کتاب به گذشته‌های دور و نوعی بازتاب تاریخی در رنگ‌های

کاملاً تخیلی و تصویرها دارای عناصری برای نشان دادن مرزهای خیال و رؤیای کودکان است، مثلاً در تصویر انسان‌های بالداری یا مردی کتابخوان بالای درخت، عناصر تصویری کاملاً واقعی به نظر می‌رسد. به عبارتی، کودکی واقعی است با بال‌های واقعی یا مردی با هیأتی واقعی روی یک درخت؛ هرچند شکل‌گیری این عناصر در یک تصویر، از فرایندی تخیلی و رؤیایی برخوردار است.

شیوه رئالیسم کودکانه که نمونه‌های کم‌رنگ آن در دوران اولیه تصویرگری زرین کلک و در کتاب‌های «امیرحمزه...» و «زال و رودابه» شکل گرفته، در این تصویرها به مشخصه‌های اصلی خود دست می‌یابد و به خلق تصاویری می‌انجامد که از آخرین شیوه‌های به کار گرفته شده توسط زرین کلک به شمار می‌رود. در نگاهی کلی به آثار زرین کلک، می‌توان به نگاه خلاقانه و چندگانه او در نوع بروز تخیل یا واقعیت

هنرمند تصویرگر می‌آید؛ بی آن که «نوشته» یا «متن نوشتاری» یا «شکل نوشته»، هنوز، هیچ‌گونه حضور و فعالیت داشته باشد»^۶

ویژگی‌های بومی در آثار زرین کلک

زرین کلک، تصویرگری است که نمی‌تواند ویژگی‌های بومی و سرزمینی‌اش را در تصویرها کنار بگذارد. اتکا بر ویژگی‌های هنر ایران، در آثار زرین کلک از یک سو، به دلیل ویژگی بومی متن‌هایی است که او تصویر کرده؛ از جمله امیرحمزه صاحبقران و مهمتر نسیم عیار، افسانه سیمرغ، زال و سیمرغ، زال و رودابه، کوروش شاه و قصه گل‌های قالی. با این وجود، استقلال عمل و خلاقیت شخصی او در استفاده از این عناصر جایگاه خاصی دارد. پرداختن به خطوط نرم نگارگری، در تصویر سیمرغ یا چرخ ریسک، در کتاب «کلاغ‌ها» که متنی امروزی است، یا تاثیرپذیری

خاکستری خنثی، از ارزش خاصی برخوردار است و به طریق آن می‌توان اندیشه‌های تاریخی را در کودکان زنده کرد و به آن ماهیتی امروزی بخشید.

اگرچه بسیاری از نسخه‌های این کتاب، پس از انقلاب، از قفسه‌های کتابخانه‌ها بیرون کشیده شد و از دسترس کودکان کنار رفت، تقریباً چنین گرایشی به تصویرگری تاریخی و تلفیق رنگ‌های زنده امروز با زمینه‌های خاکستری و تاریخی دیروز، در آثار هیچ تصویرگر دیگری تکرار نشده و تنها نمودهایی از این تلفیق را می‌توان در نقاشی‌ها (و نه تصویرگری‌ها)ی امروزین علی‌اکبر صادقی مشاهده کرد؛ آن‌جا که مثلاً سربازهای قهوه‌ای دیواره‌های هخامنشی، ایستاده در ایستگاه نگهبانی، دسته‌گلی رنگی و تازه چیده شده در دست دارند و یا همان تلفیق زیبای قلعه تاریخی بم، با انارچه‌های رنگی و شمعدانی‌های تر و تازه‌ای که از دیواره‌هایش می‌روید، و اما چنین شیوه‌ای در تصویرگری، چندان بازتاب فعلی نداشته است.

در کتاب «کارخانه همه کاره» نیز که یک کتاب علمی است، با نمودهایی واقعی و در اندازه‌های نسبتاً واقعی، از ابزار کار رو به رو هستیم. در این کتاب که متنی علمی - ادبی است درباره تنوع ابزارهای کار و مقایسه آن با توانایی‌های انسانی، زمینه تاریک، سبب درخشش عناصر تصویری شده و به آن ماهیتی مستقل بخشیده است. تصاویر این کتاب، به گونه‌ای است که زرین کلک برخلاف آثار قبلی، هیچ تلاشی برای نشان دادن زمینه تصویرها نکرده و تصویرهایش را در فضایی خالی و تاریک، به معرض نگاه کودکان جست‌وجوگر گذاشته است؛ اتفاقی که در دیگر آثار زرین کلک به چشم نمی‌خورد.

در کتاب «اگر می‌توانستم»، با وجود آن که متن

در تصویر، نوع رنگ‌های رقیق آبرنگ یا رنگ‌های پرمایه آکرلیک و گواش، نوع استفاده از خطوط سنتی و ریشه گرفته از دوران نگارگری تا خطوط تازه کتاب کلاغ‌ها، نوع نگاه طنزآمیز و موسیقایی او در کتاب «آه، اول الفباست» و یا نگاه جدی او در کتاب «از آب‌ها» و پرداخت رؤیایی‌اش در تصویرهای کتاب «قصه کرم ابریشم» تا تصویرهای علمی کتاب «کارخانه همه‌کاره» اشاره داشت که همه این‌ها نشانگر تنوع نگاه و سلیقه زرین کلک در تصویرگری یا نویسندگی برای کودکان است. باز هم از قلم نادر ابراهیمی می‌خوانیم: «کارهای عمدتاً خالی از عیب و انحراف زرین کلک، در واقع و در بسیاری اوقات، راهنمای ماست در کشف و ارائه بخش مهمی از احوال تصویرگری کتاب‌های کودکان، یعنی این آثار را می‌توان «سنجه» و معیار دانست و وسیله شناخت و اندازه‌گیری. اکثر مشخصات مثبتی که برای تصویرگری برشمرده شده، در آثار آقای زرین کلک وجود دارد؛ از جمله «به سفرهای کوتاه و خوش رؤیا بردن کودکان»، «پر بار و بر کردن نوشته»، «عمق و دوام بخشیدن به موضوع مطروح در قصه»، «تشویق کردن کودکان به نقاشی»، «واداشت آزادانه کودکان به تفکر» و مانند این‌ها.^۵

و یا: «... در مورد آثاری که زرین کلک، مصور - نویسنده آن‌هاست، حرکت تولید و خلق، ظاهراً این‌گونه است: ابتدا موضوعی تصویری یا جرعه تصویری به ذهن او می‌آید، بلافاصله یا به فاصله‌ای اندک، موضوع یا جرعه، به تصویر دست می‌یابد و یا لاقلاً، به خطوط اولیه مطرح‌های نخستین و شیوه کار. منظور این است که فکر تصویری و «نفس تصویر» یا «شکل تصویر»، تقریباً با هم به ذهن

او از نقش مایه‌های ایرانی، در کتاب‌های «از آب‌ها»، «نوروزها و بادبادک‌ها» و «قصه کرم ابریشم» و نیز تلاش او برای تغییر شکل دادن نقوش سنتی در این مجموعه آثار، قابل توجه است.

گرایش فراوان به ویژگی‌های نگارگری که در بخش بزرگی از آثار تصویری زرین کلک به چشم می‌خورد، تلاشی برای ساده و کودکانه کردن این تکنیک و استفاده از آن در کتاب‌های کودکان است؛ تلاشی که زرین کلک بسیار به آن علاقه نشان داده و به خوبی از عهده آن برآمده است.

این همان ویژگی مشخصی است که در آثار تصویرگرانی چون دادخواه، مثقالی و نجومی کم‌تر به چشم می‌خورد.

زرین کلک، هنوز هم ذهنیتی خلاق، پویا و جست‌وجوگر دارد. او هنوز هم هنرمندی خلاق در این عرصه به شمار می‌رود و ظاهراً آثار ارزشمند دیگری برای کودکان تدارک دیده که می‌توان برای دیدن آن‌ها لایه‌لای کتاب‌های کودکان لحظه‌شماری کرد.

پانویس‌ها:

- ۱ - مقدمه‌ای بر مصورسازی کتاب کودکان، نوشته نادرا ابراهیمی، تهران: ۱۳۶۷، مؤسسه انتشارات آگاه.
- ۲ - همان‌جا، ص ۱۹۶.
- ۳ - همان‌جا، ص ۲۱۸.
- ۴ - همان‌جا، ص ۲۱۸.
- ۵ - همان‌جا، ص ۲۱۵.
- ۶ - همان‌جا، ص ۲۱۸.

